

قابلیت کاربست عامل‌های سازنده عمومیت فضا در گفتمان جامعه مدنی برای فضاهای شهری (نمونه پژوهی: مقایسه عمومیت بازار سنتی تجریش و مجموعه ارگ تجریش)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۰۷/۲۸

امیرمحمد قویمی* (دکتری شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، عضو گروه علمی شهرداری تهران)
غلامرضا حقیقت نائینی (دانشیار دانشکده شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر تهران)
فریبا قزایی فتح آبادی (دانشیار دانشکده شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر تهران)
میترا حبیبی (دانشیار دانشکده شهرسازی، گروه طراحی شهری، دانشگاه هنر تهران)

چکیده:

در سال‌های اخیر نقدهای بسیاری در مورد میزان عمومیت فضاهای جدید شهری و از میان رفتن و یا کاهش شایان توجه عمومیت این فضاها در مقایسه با فضاهای شهرهای سنتی، مطرح گردیده است. به نظر می‌رسد بیشتر تحلیل‌های اخیر از هنجارهای گفتمان جامعه مدنی متأثر شده‌اند. اما با وجود نظریه‌پردازی‌های موجود در گفتمان جامعه مدنی تحت عنوان ایده عرصه عمومی، هیچ یک از آثار موجود تا مرحله ارائه عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری پیش نرفته‌اند و اجماعی بر سر معیارهای داوری درباره عمومیت این فضاها وجود ندارد. با توجه به این شکاف نظری، طرح‌ریزی پژوهشی با هدف مقایسه میزان عمومیت فضاهای جدید و فضاهای سنتی شهری با رهیافت دستیابی به معیارهای ارزیابی عمومیت فضاها در گفتمان جامعه مدنی و بررسی قابلیت کاربست آنها برای فضاهای شهری بایسته است. مقاله پیش رو با این هدف ابتدا با شیوه تحلیلی و توصیفی به مرور ساختارمند انگاره‌های اندیشمندان و تجربه‌های پژوهشی مرتبط پرداخته است و در گام بعدی قابلیت کاربست عامل‌های به‌دست آمده را به عنوان معیارهایی برای داوری عمومیت فضاهای شهری، از طریق روش دلفی بررسی نموده است. مشخص گردید که چهار عامل دسترسی همگانی، انطباق پذیری، تعامل و گفتگو و مصونیت، برای قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری مناسب هستند. بر این پایه، با هدف پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، میزان عمومیت فضای جدید ارگ تجریش و فضای سنتی بازار تجریش مقایسه گردیدند. نتایج نشان داد که موفقیت این دو فضا در دو عامل مصونیت و تعامل و گفتگو تفاوت معنی‌داری دارند. اما میزان عمومیت دو فضا تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

واژه‌های کلیدی: عمومیت فضاها، فضاهای عمومی شهری، عرصه عمومی، جامعه مدنی، عمومیت.

مقدمه:

در سال‌های اخیر، تحولات گسترده‌ای از جمله پیدایش فضای مجازی و پدیده‌هایی همچون جهانی سازی و خصوصی سازی فضاهای شهری موجب شده‌اند که اندیشمندان بسیاری به عمومیت فضاهای شهری توجه نمایند و در این باره به اظهار نظر بپردازند، بسیاری از صاحب‌نظرها، درباره عمومیت فضاهای شهری جدید به ویژه مال‌ها و مجموعه‌های تجاری با ویژگی‌هایی نوپدید، که بیشتر در فضاهای بسته برپا شده‌اند در برابر فضاهای شهری سنتی، ابراز نگرانی کرده‌اند و از کاهش و یا پایان آن سخن گفته‌اند (Habermas, 1991; Mitchell, 1995; Sennett, 1992). به نظر می‌رسد بیشتر تحلیل‌ها و ابراز نگرانی‌ها در جوامع غربی، با پذیرش مبانی فلسفی غرب و در بستر گفتمان جامعه مدنی، شکل گرفته‌اند. برخی از این اندیشمندان ایده عرصه عمومی^۱ را به مثابه ابزاری برای تحقق جامعه مدنی و دموکراسی حقیقی و احیای عمومیت فضاهای شهری از این منظر طرح نمودند (Fraser, 1990; Taylor, 2004; Benhabib, 2003; Young, 2002; Habermas, 1991; Arendt, 1998; Dryzek, 2000). بررسی متن‌های مرتبط با موضوع عمومیت، این امر را آشکار می‌سازد که با وجود اینکه در میان صاحب‌نظران تعاریف و معیارهای مشخص و مورد اجماعی در خصوص عمومیت فضاهای شهری وجود ندارد، اما ریشه بیشتر تعریف‌ها و نقدهای معاصر بر پذیرش مبانی نظری جامعه مدنی و به صورت مشخص‌تر ایده عرصه عمومی است.

در این مقاله با توجه به هدف اصلی بررسی میزان عمومیت فضاهای شهری جدید در مقایسه با عمومیت فضاهای شهری سنتی، استخراج عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در گفتمان جامعه مدنی و بررسی قابلیت کاربست این عامل‌ها به عنوان معیارهای قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری، دنبال شده است. در گام نخست، به منظور دستیابی به ماهیت گفتمان جامعه مدنی، مفاهیم بنیادین مطرح در جامعه مدنی معرفی شده‌اند و سپس ایده عرصه عمومی با هدف استخراج عامل‌های اساسی سازنده عمومیت فضاهای شهری مورد بررسی قرار گرفته است و عامل‌هایی که در این دیدگاه سازنده عمومیت فضای شهری - به عنوان تجلی کالبدی عرصه عمومی - هستند شناسایی و معرفی شده‌اند. مفاهیم و عامل‌های بدست آمده، تعریفی از عمومیت در گفتمان جامعه مدنی را به دست می‌دهند، که می‌تواند راهگشای درک بهتر مباحث اخیر، قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری، تحلیل‌های بیشتر و انجام سایر پژوهش‌ها در این حوزه باشد. در گام بعد، مناسبیت

¹ - Public Sphere

کاربست این عامل‌ها در ارزیابی و قضاوت در مورد عمومیت فضاهای شهری مورد آزمون قرار گرفته است و شاخص‌های مناسب برای ارزیابی هر یک از این عامل‌ها تعیین گردیده‌اند. در آخرین گام بر اساس عامل‌های بدست آمده، به ارزیابی و مقایسه وضعیت عمومیت یک فضای شهری جدید و یک فضای شهری سنتی در شهر تهران پرداخته شده است.

پرسش اصلی در این پژوهش بر پایه نقدهای سال‌های اخیر، این است که؛ "آیا میزان عمومیت فضاهای شهری جدید در مقایسه با فضاهای شهری سنتی کاهش یافته است؟" برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا به پرسش دیگری پاسخ داد که؛ "آیا عامل‌های سازنده عمومیت در گفتمان جامعه مدنی برای داوری درباره عمومیت فضاهای شهری مناسب هستند؟". یافتن پاسخ این پرسش، خود مستلزم پاسخ به دو پرسش فرعی است. یکی اینکه "عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در گفتمان جامعه مدنی کدامند؟" و دیگر اینکه "آیا این عامل‌ها برای قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری مناسب هستند یا خیر؟"

۱- روش پژوهش:

مقاله حاضر حاصل پژوهشی تحلیلی-توصیفی می‌باشد، که انجام آن نیز بر پایه پرسش‌های پژوهش دو گام اصلی را شامل می‌شود؛ ابتدا، مرور متن‌ها و پژوهش‌های مرتبط با رویکرد قیاسی تا رسیدن به عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در گفتمان جامعه مدنی و سپس، پاسخ به پرسش دوم با بهره‌گیری از روش دلفی. گام نخست نیز خود در دو مرحله انجام شده است: نخست مرور ساختارمند متن‌های مرتبط با ادبیات موضوع پژوهش انجام شد، متن‌ها و تجربه‌های پژوهشی بر پایه ارتباط با موضوع- با کلید واژه‌های جامعه مدنی، عرصه عمومی و فضای عمومی- دست اول بودن منابع، سال انتشار و اعتبار نویسندگان، انتخاب و دسته‌بندی و از طریق تشکیل جدول مرور تحلیل شدند. مرور این متن‌ها، به شکل‌گیری فرضیه‌هایی در خصوص عامل‌های سازنده عمومیت در گفتمان جامعه مدنی منجر شد. در مرحله دوم به دنبال رد و یا تأیید فرضیات مرحله قبل، برخی از متن‌ها بازخوانی شدند و برخی متن‌های جدید که لازم بود مطالعه شوند، به فهرست متن‌های مورد بررسی اضافه شدند. در نهایت فرضیاتی که مورد تأیید بودند به عنوان یافته‌های این بخش از پژوهش و تحت عنوان عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در گفتمان جامعه مدنی معرفی شده‌اند.

در گام دوم پژوهش برای یافتن پاسخ پرسش فرعی دوم، مناسبت کاربست عامل‌هایی که در گام نخست استخراج گردیده‌اند، به عنوان معیارهای قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری و شاخص‌های مناسب برای هر یک با بهره‌گیری از روش دلفی مورد آزمون قرار گرفت. روش دلفی با شرکت بیست و یک متخصص در حوزه مطالعات فضای شهری با نمونه گیری گزینشی و گلوله برفی و در سه دور، به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته در دو دور نخست، و پرسشنامه بسته در دور سوم انجام شد.

سپس میزان عمومیت دو فضای شهری نمونه، بر پایه عامل‌ها و شاخص‌های بدست آمده در روش دلفی ارزیابی و مقایسه شدند، تا امکان پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش فراهم گردد. برای این منظور با توجه به تعیین شاخص‌های مناسب در فرآیند دلفی از شیوه پیمایش و مشاهده برای گردآوری داده‌ها استفاده شد.

۲- چارچوب نظری:

۳-۱- گفتمان جامعه مدنی:

از آنجا که ایده عرصه عمومی در بستر گفتمان جامعه مدنی شکل گرفته است، بازشناسی ویژگی‌ها و مبانی اصلی گفتمان مذکور رسیدن به نتایج صحیح در بررسی عامل‌های سازنده عمومیت در ایده عرصه عمومی را ممکن خواهد ساخت. باید توجه داشت که علی‌رغم این که جامعه مدنی در جوامع غربی قدمت زیادی دارد، کاربرد گفتمان جامعه مدنی در دوره معاصر ناظر بر تلقی جدیدی از این عبارت است که محصول دنیای مدرن است. شرایطی که در آن دولت، خانواده و جامعه مدنی متمایز هستند و اگرچه وجود دولت شرط شکل‌گیری جامعه مدنی و مقدم بر آن است، جامعه مدنی میان دولت و خانواده (شهروند) واسطه می‌باشد (Hegel, 1942, p. 220). در حقیقت جامعه مدنی در دنیای مدرن در چارچوب بحث تجدد ضرورت یافته و حوزه‌ای است عمومی میان نهاد دولت و نهاد خانواده که برای اعمال و اختیارات این دو نهاد در قبال یکدیگر قاعده تعیین می‌کند (امیر احمدی، ۱۳۷۴، ص. ۹-۱۰). ساز و کار جامعه مدنی بر اصول فلسفه فرانوگرایی - شامل کثرت باوری، قانونمداری، فردباوری، لزوم وجود جو گفتمان و رسیدن به اجماع میان اندیشه‌های متکثر و گاه متضاد- مبتنی است و با هدف حل مشکلات جامعه مدرن و گذار از حکومت شهری در دنیای تجددگرا به حاکمیت شهری در دنیای فراتجددگرا است (حبیبی، ۱۳۷۹، ص. ۲۳).

۳-۱-۱- ویژگی‌های اصلی جامعه مدنی:

بر پایه تعاریف و مبانی مطرح در مهم‌ترین متن‌های مرتبط با گفتمان جامعه مدنی می‌توان ویژگی‌های اصلی زیر را به عنوان اساسی‌ترین پایه‌های آن استنباط نمود:

فردباوری: اهمیت فردباوری در تحقق جامعه مدنی توسط هگل، مارکس و گرامشی مورد تأکید است. زیرا چنان که اشاره شد خودخواهی فردی مقدم بر خودخواهی جمعی و عامل تبدیل شدن شهروند عمومی به شهروند سیاسی است (مارکس، ۱۳۹۰؛ مولر، ۱۳۹۵؛ گرامشی، ۱۳۸۳). برای آنکه نهادهای جامعه مدنی شکل بگیرند و بتوانند عملکرد مورد انتظار را داشته باشند، ابتدا باید افراد جامعه بتوانند داوطلبانه و آگاهانه منافع خود را با منافع جمعی پیوند بزنند و وارد تشکلهای مدنی بشوند (حبیبی، ۱۳۷۹، ص. ۲۵-۲۶) و در مقابل بتوانند با کنترل و محدود نمودن آزادی‌های طبیعی خود، از آزادی مدنی و نعمت ارزشمند متحد بودن با دیگران، برخوردار شوند (مولر، ۱۳۹۵، ص. ۲۶۹). در حقیقت جامعه مدنی بر پایه تمایل‌های فردی و با شکل‌گیری بازار مبتنی بر مالکیت خصوصی تحقق می‌یابد (چاندوک، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۶). بر این اساس فردباوری یکی از پایه‌ها و شروط اساسی گفتمان جامعه مدنی بویژه در دوران معاصر است (مولر، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۹). این همان ویژگی است که در نظر هابرماس در جامعه بورژوازی و به دنبال رسمیت یافتن مالکیت خصوصی ایجاد شد و امکان پیدایش جامعه مدنی را فراهم ساخت (Habermas, 1991).

جدایی دولت و جامعه: اساس گفتمان جامعه مدنی بر جدایی دولت و جامعه است (مارکس، ۱۳۹۰؛ چاندوک، ۱۳۷۷؛ FRASER, 1990؛ Habermas, 1991؛ Hegel, 1942). به اندازه‌ای که جامعه مدنی به عنوان مرحله‌ای از تحول دیالکتیکی خانواده به دولت در اندیشه‌های هگل و مارکس بدون این جدایی هرگز ممکن نخواهد بود (رهین، ۱۳۷۰، ص. ۲۵۵-۲۵۶). این جدایی به مفهوم انقطاع نیست، بلکه جامعه مدنی مرحله‌ای از دولت مدرن است که در آن دولت به صورت کامل از جامعه مدنی متمایز است و بدینسان استقلال خود را از جامعه مدنی و در مرحله‌ای و سطحی بالاتر از آن به منصفه ظهور می‌رساند (نقوی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲) و در مقابل جامعه مدنی نیز از سلطه دولت مصون می‌باشد و به تنها حوزه برای تضمین خودآیینی انسان بدل می‌شود (صالحی فارسانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵). عرصه عمومی مورد نظر هابرماس نیز بر پایه تقابل دولت و جامعه مدنی استوار است و با کاهش چنین تقابلی از میان می‌رود (احمدی، ۱۳۹۴). ارتباط دولت و جامعه مدنی در این دیدگاه می‌تواند به تعیین مجاری قانونی جمع شدن‌های

داوطلبانه و شکل‌گیری ائتلاف‌هایی از شهروندان با مطالبات عمومی (Edwards, 2011, p. 386) و در مقابل کنترل دولت از طریق جامعه مدنی باشد.

حاکمیت قانون: در نزد هابز و لاک، جامعه مدنی ناظر به جامعه‌ای است که در آن قانون حاکمیت دارد (امیراحمدی، ۱۳۷۴، ص. ۸۰). مهمترین ویژگی که باید در تعریف جامعه مدنی به آن اشاره شود این است که در جامعه مدنی، قانون حاکمیت دارد و اجرای آن حتمی و قطعی است (حبیبی، ۱۳۷۹؛ بادامچیان، ۱۳۷۷). یعنی قانون فوق اراده همه افراد است و همه در برابر آن یکسان هستند. خاستگاه قانون درگفتمان جامعه مدنی، عقلانیت جمعی است، قوانین ناظر بر سعادت و خواست جمعی هستند (امیراحمدی، ۱۳۷۴، ص. ۸۰)، و مردم باید به ضرورت زندگی جمعی، تابع این قوانین باشند و با اراده و خواست خودشان محدودیت‌هایی را از این بابت متحمل شوند (مروی، ۱۳۸۹، ص. ۳۳)، و این شرط لازم برای تحقق جامعه مدنی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص. ۱۰). الگوی حکمروایی خوب شهری نیز بر همین پایه بر محوریت قانون تأکید دارد (رضائی و دیگران، ۱۳۹۸؛ عبدی و دیگران، ۱۳۹۸؛ زندیه، ۱۳۹۶؛ قویمی، ۱۳۹۱). منشاء قانون در زندگی عمومی بر این اساس اراده اکثریت است (بادامچیان، ۱۳۷۷، ص. ۲۹). قواعد ناظر بر جامعه مدنی چنان است که حتی اراده‌های معطوف به قانون شکنی چاره‌ای ندارند جز اینکه خواسته‌های خود را در چارچوب قانون محدود کرده و شیوه‌های قانونی را برای تأمین خواسته‌ها انتخاب کنند. لذا می‌توان گفت جامعه مدنی پناهگاه اراده‌های سرگردان فردی است که در کنار اراده‌های نزدیک به خواسته‌های خود، آرام و قرار می‌گیرند و می‌آموزند تا با استفاده از اهرم‌های قانونی، مطالبات خاص خود را بیان کنند (بادامچیان، ۱۳۷۷، ص. ۳۴).

۳-۲- عرصه عمومی:

ایده عرصه عمومی ابتدا توسط دو اندیشمند آلمانی آرنت و هابرماس مطرح شده است و توسط دیگران و به‌ویژه اندیشمندان در حوزه علوم سیاسی بسط داده شده است. چنان که گفته شد، جامعه مدنی عرصه گفتگو میان دولت و ملت است. بنابراین و بر پایه نظریه پردازی‌های این دو اندیشمند، برای این منظور امکان فضای باز و آزادِ گفتگو و "عقلانیت ارتباطی" یا تفاهمی ضرورت دارد. آراء این دو به نظریه پردازی‌هایی تحت عنوان عرصه عمومی منجر شده است (Fraser, 1990; benhabib, 2003; Young, 2002; Dryzek, 2000)، که شامل تبیین هنجارهایی برای عمومیت عرصه عمومی و از

آن ره فضاهای شهری به عنوان تجلی کالبدی عرصه عمومی هستند. البته هیچ یک از این نظریه‌پردازی‌ها تا مرحله معرفی معیارهایی برای ارزیابی عمومیت فضاهای شهری پیش نرفته‌اند.

آرنت^۱ عرصه عمومی را جایی می‌داند که کردار و گفتار همگان در معرض حواس دیگران قرار می‌گیرد. دیگرانی که بیشتر آنها با او کاملاً غریبه هستند و او توسط آنها قضاوت می‌شود و همچنین رفتار کردار دیگران نیز بدون هیچ مانعی برای فرد آشکار می‌گردد. بر همین اساس فضای عمومی، فضایی است که افراد فرصت ظهور و مواجهه و مباحثه با سایر افراد و عقاید متکثر را می‌یابند و از طریق گفتار (شهرام نیا، تدین راد، & نجف پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۶-۱۴۷)، به تحقق عرصه عمومی و از آن ره سیاست ناب موفق می‌شوند (Arendt, 1998).

به طور کلی سه ویژگی اساسی برای عرصه عمومی در نظریه‌پردازی آرنت قابل تشخیص می‌باشند. نخست، مصنوعی و ساختگی بودن سیاست. مثل شرط برابری افراد که نه تنها نتیجه وضعیت طبیعی پیش از تشکیل عرصه عمومی نیست که بر مبنای نظریه حقوق طبیعی قابل حصول باشد، بلکه یک ویژگی مصنوعی و قراردادی است که برای تحقق عرصه عمومی ایجاد می‌شود و توسط نهادهای سیاسی دموکراتیک تضمین می‌شود. دیگری، مکان مندی عرصه عمومی؛ از آن جهت که آرنت تحقق عرصه عمومی را مستلزم وجود فضایی می‌داند برای دیدارها و تبادل افکار و مباحثه بر سر اختلاف‌ها با هدف رسیدن به توافق. و آخر اینکه، تمایز میان علایق خصوصی و عمومی؛ که به خیر فردی و خیر همگانی اشاره دارد. برای نمونه اینکه فرد به عنوان شهروند در عرصه عمومی سهمیم است و در منافع آن شریک است، اما منافع آن فقط به عرصه عمومی تعلق دارد و فرد هرگز نمی‌تواند آن‌ها را تصاحب کند. بر این اساس فضای عمومی محل حضور تنوعی از افراد با منافع، عقاید و کردارهای مختلف با هدف رسیدن به اجماع و تصمیم‌گیری بر سر منافع مشترک می‌باشد.

هابرماس نیز در چارچوب گفتمان جامعه مدنی به نظریه‌پردازی درباره ایده عرصه عمومی خود پرداخته است. از آنجا که او به شرایط تولید کلام و سخن علاقه مند است، مفهوم محوری "بیان یا کاربرد همگانی"^۲ را در توصیف نظریه کنش ارتباطی خود استخدام نموده است. کنش ارتباطی نظریه‌ای خاص در علم بیان شمرده می‌شود که مانند فلسفه

^۱- Hanna Ardent

^۲-universal pragmatics

فراتر از زبان یک ملت خاص کاربرد دارد، بنابراین اختصاص به زبان خاصی ندارد (شفیعی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۰). بر پایه مفهوم سازی هابرماس، عرصه عمومی بخشی از زندگی اجتماعی است که از گردهمایی افراد خصوصی-غیر دولتی- با هدف مباحثه عقلانی و انتقادی درباره امور عمومی، پدید می‌آید و درون آن طی فرایند گفت و گوی آزاد و برابر، مبتنی بر استدلال عقلانی درباره اموری که به عموم پیوند می‌خورند، واقعیتی شکل می‌گیرد که می‌توان نام افکار عمومی^۱ (عقیده عمومی) بر آن نهاد. اهمیت ایده عرصه عمومی در گفتمان جامعه مدنی در این است که به تعبیر هابرماس افکار عمومی دارای قدرتی است که در جامعه مدنی جایگزین قدرت سنتی حاکم می‌شود (هابرماس، ۱۳۹۲). شکل گرفتن افکار عمومی هم خود وابسته به قدرت است و هم خود بدل به قدرت می‌شود و جامعه مدنی در صورتی که بتواند نقش فعال و موفق در تولید افکار عمومی ایفا کند می‌تواند به عنوان اهرم فشار در برابر نهادهای دیگر قدرت مانند دولت در دفاع از حقوق شهروندان به کار رود (علمداری، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۲). در عرصه عمومی رقابت مردم با قدرت از طریق بحث‌های عقلانی- انتقادی^۲، فاقد هرگونه گرایش قدرت طلبانه است (Habermas, 1991).

عده‌ای از اندیشمندان با تردید به ایده عرصه عمومی آرت و خرد ارتباطی هابرماس نگریسته‌اند. آنان معتقدند ایده عرصه عمومی، یک عمومیت یکدست و جهانی را مفروض داشته است. در حالی که جامعه مدنی و دموکراسی واقعی باید متضمن گوناگونی و تفاوت‌ها باشد. این دلیل تأکید بر اهمیت دسترسی همگانی به فضا و تنوع فعالیت‌ها در فضا است (Fainstein, 2005; Schmidt & Németh, 2011; Young, 2002). تیلور^۳، عرصه عمومی را فضای مشترکی تعریف نموده است که در آن همه اعضای جامعه به صورت برابر از طریق تنوعی از رسانه‌ها و مواجهه رو در رو، با هدف مباحثه پیرامون امور مشترک ملاقات می‌کنند تا در مورد مقولات مختلف هم دیدگاه شوند. از نظر او این عرصه مشترک در حقیقت یک تک فضا نیست و بلکه مجموعه‌ای از فضاهای عمومی با موضوعات مختلف تجمع و مباحثه است (Taylor, 2004: 83). بنابراین تجلی کالبدی عرصه عمومی همان فضاهای عمومی خواهند بود.

دسترسی برابر برای همگان به فضای شهری، به عنوان یکی از ویژگی‌های لازم برای تحقق دموکراسی و جامعه مدنی در ایده عرصه عمومی مورد اجماع می‌باشد. تأکید

^۱- Public opinion

^۲- rational- critical public debate

^۳-Charles Taylor

بسیاری از صاحب‌نظران همچون فریزر (۱۹۹۰)، رایان و ترلیندن (۱۳۹۲)، بر حضور برابر زنان در فضاهای شهری و شرکت نمودن آنها در گفتگوهای جاری در فضا است. چنان که گفته شد تأکید ایده عرصه عمومی بر شکل‌گیری افکار عمومی است و این اتفاق از طریق تعامل و گفتگوی افراد حاضر در فضای عمومی تحقق می‌یابد. اساساً، افکار عمومی را حاصل بازتاب تفکرات افراد مختلف جامعه با وساطت مباحثه تا رسیدن به یک عقیده مشترک، یعنی نتیجه تفکر انتقادی در مقابل پذیرش منفعل، توصیف نموده‌اند (Taylor, 2004: 221). توجه دقیق‌تر به ماهیت افکار عمومی مورد نظر در ایده عرصه عمومی اهمیت گفتگو میان حاضرین در فضا را آشکار می‌سازد. چرا که افکار عمومی در ماهیت خود آن عقیده‌ای است که در فرآیندی عمومی و از مسیر مباحثات انتقادی و عقلانی پیرامون این موضوعات شکل می‌گیرد (Chambers, 2000, p. 200). بنابراین، شکل‌گیری عقیده عمومی در عرصه عمومی که در گفتمان جامعه مدنی دنبال می‌شود، در غالب تعامل اجتماعی و گفتگوی افراد حاضر در فضاهای عمومی بر سر امر عمومی حاصل می‌شود. بررسی انگاره‌های بسیاری از اندیشمندان تأکید ایشان بر وجود تعامل میان شهروندان به عنوان یک شرط تحقق عرصه عمومی را آشکار می‌سازد (Arendt, 1998; Koçan, 2008; Benhabib, 2003; Keane, 2000; Young, 2002).

از عملکردهای دیگر عرصه عمومی به نمایش گذاشتن تفاوت‌ها و تشویق به شناخت خویشتن از این طریق است (مدنی پور، ۱۳۸۷، ص. ۲۱۷). عامل تنوع، به عنوان یکی از ویژگی‌های لازم در فضای شهری برای تحقق دموکراسی و جامعه مدنی و در ایده عرصه عمومی مورد اجماع می‌باشد (Nemeth & Schmidt, 2011, p. 6). از این منظر فضای عمومی باید ضامن حضور و تعامل مؤثر گروه‌های متنوع با هدف شکل‌گیری مطالبات مشترک آنها باشد (Miller, 2007, pp. 145-146). اساساً عرصه عمومی مستلزم وجود زیست‌گروهی با شکل‌گیری افکار عمومی از مذاکره و مباحثه علی‌رغم وجود تنوع تفاوت‌های بسیار میان افراد است (Dahlberg, 2005, p. 6). بسیاری از اندیشمندان بر این اعتقادند که عرصه عمومی واقعی باید متضمن گوناگونی و تفاوت‌ها باشد (Taylor, 2002; Benhabib, 2003; Young, 2004)، به نیاز همه شهروندان پاسخ دهد و مشوق تعاملات اجتماعی همه شهروندان با علایق و گرایش‌ها، پیشینه اجتماعی و دیدگاه‌های متنوع باشد (Fainstein, 2005; Schmidt & Németh).

الگوی جامعه مدنی بر این فرض مبتنی است که نظام بازار آزاد به طور خودکار تنظیم و تعدیل می‌شود. به این معنا که فعالیت‌های افراد خصوصی جامعه بدون دخالت

دولت، خود تنظیم کننده است (Calhoun, 2011, p. 271). بنابراین فقط زمانی می‌تواند در خدمت رفاه عمومی و ایجاد عدالت بر پایه توانایی و استعداد افراد باشد که از هرگونه دخالت و نفوذ نهادهای بیرونی آزاد باشد (پزشکی، ۱۳۹۳). شکل گرفتن افکار عمومی در عرصه عمومی از طرفی وابسته به قدرت است و از سوی دیگر خود بدل به قدرت می‌شود. جامعه مدنی در صورتی که بتواند نقش فعال در شکل‌گیری افکار عمومی داشته باشد می‌تواند به عنوان اهرم فشار در برابر نهادهای دیگر قدرت مانند دولت و یا شرکت‌های خصوصی در دفاع از حقوق شهروندان به کار رود (علمداری، ۱۳۹۵، ص. ۲۴۲). بر پایه نظر هابرماس یکی از دلایل افول عرصه عمومی استفاده ابزاری توسط قدرت‌های بیرونی از قدرت تولید شده در این عرصه در جهت اهداف از پیش تعیین شده است (پدرام، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۸).

اینکه قدرتی بجز قدرت تولید شده توسط حاضرین در فضا نباید بر اتفاقات و مباحثات جاری در فضا اثر بگذارد و به آنها جهت بدهد و یا آنها را محدود سازد در بیشتر منابع مورد بررسی مورد اشاره بوده است (benhabib, 2003; Taylor, 2004; Fraser, 1990; Habermas, 1991). عرصه عمومی گونه‌ای از قدرت را پدید می‌آورد که با قدرت حاکم تفاوت دارد (Calhoun, 2011, p. 278). این قدرت در عصر حاضر، فضای پیچیده و تعاملاتی است که پدید آمده و تا مرزهای منطقه‌ای، ملی و فرا ملی گسترش یافته است (Keane, 2000:77).

عرصه عمومی جایی است که انسان‌ها امکان می‌یابند خود را در معرض ارزیابی و قضاوت دیگری قرار دهند و در همان حال دیگران را ببینند و مورد ارزیابی و قضاوت قرار دهند (Arendt, 1998). هر اتفاقی یا هر اظهارات کلامی و غیر کلامی، در چنین فضایی در معرض مشاهده همه شرکت کنندگان آن فضا قرار دارد. همچنین، یکی از ویژگی‌هایی که بیشتر از سوی نظریه پردازان حوزه دموکراسی مطرح شده است، شیوه بیان و کردار در فضای عمومی است و شامل شفافیت در ابراز عقاید، خواسته‌ها، نقدها و مانند آن در مقابل همگان است (Young, 2002, p. 170). همچنین ضرورت جریان آزاد اطلاعات برای شکل‌گیری عقاید سیاسی از سوی گروهی اندیشمندان تأکید شده (Mckee, 2005, pp. 4-9).

در بیشتر متن‌های مرتبط با عرصه عمومی به امر عمومی پرداخته شده است. در نوشته‌های آرنت و هابرماس، امر عمومی آن چیزهایی را شامل می‌شود که موضوعات مشترک میان شرکت کنندگان در عرصه عمومی باشد و از دغدغه‌های خصوصی و اجتماعی آنها مجزا است. زمانی امکان مباحثه بر سر امر عمومی فراهم می‌شود که تفکیک

و تمایز مشخصی میان عرصه عمومی و خصوصی وجود داشته باشد؛ Arendt, 1998; Habermas, 1991)؛ راسل، ۱۳۹۰). چنان که گفته شد؛ هگل جامعه مدنی را محلی برای قبول محدودیت‌هایی در رابطه با منافع فردی در جهت رسیدن به صلاح و منفعت عمومی توصیف نموده است (مولر، ۱۳۹۵). در تجربه‌های پژوهشی نیز به عامل موضوعیت یافتن امر عمومی در فضای عمومی به عنوان یکی از عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در ایده عرصه عمومی اشاره شده است (Chambers, 2000). به نظر می‌رسد که این عامل تنها از سوی برخی اندیشمندان فمینیست مورد انتقاد و مخالفت قرار گرفته است. نظر آنها این است که مرزبندی میان امر عمومی و امر خصوصی در عمل به تبعیض علیه زنان منجر شده و دغدغه‌های زنان را با این بهانه که به عرصه خصوصی تعلق دارند از عرصه سیاست و مباحثات جامعه مدنی دور نگاه داشته است (هولمز، ۱۳۸۷، ص. ۹۴-۹۵).

۳-۲-۱- عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در ایده عرصه عمومی:

از بررسی آراء مرتبط با ایده عرصه عمومی چند عامل به عنوان شرط‌های عمومی بودن یک فضای شهری قابل استخراج و استنباط هستند، که در جدول (۱) این عامل‌ها و اندیشمندان مرتبط و تعاریف قابل استنباط برای آنها همچنین فراوانی هر عامل در متن‌های اصلی مورد بررسی مشخص شده‌اند.

جدول (۱)- عامل‌های سازنده عمومیت فضای شهری در گفتمان جامعه مدنی

عامل مؤثر در عمومیت	اندیشمندان و پژوهشگران	شماره	توضیح عامل
دسترس پذیری برابر همگانی	هابرماس، آرنت، فریزر، تیلور، ایریس یونگ، بن حبیب، رایان، مدنی پور، میلر، ماگالاس، بریگنتی، آدها، وارنا	۱۳	اشتراک فضا میان همگان و حضور برابر همه در آن مفهوم دسترسی را در خود دارد. این برابری می‌تواند ظاهری و یا قراردادی باشد.
تعامل و مباحثه	هابرماس، آرنت، فریزر، فیلیپ، تیلور، ایریس یونگ، بن حبیب، مک کی، پارکینسن، چمبرز، کوهن، آدها، وارنا	۱۳	کارکرد اصلی عرصه عمومی از نظر اندیشمندان حوزه سیاسی، ملاقات، تعامل و مباحثه آزادانه میان افرادی است که لزوماً پیش از آن یکدیگر را ملاقات نکرده‌اند.
تنوع	ایریس یونگ، آرنت، هابرماس، تیلور، بن حبیب، مدنی پور، میلر، ماگالاس، بریگنتی، آدها، دالبرگ،	۱۲	تنوع افراد و فعالیت‌های حاضر در فضا از عامل‌های سازنده عمومیت آن است. در این تنوع و تکثر است که عقیده عمومی از طریق مباحثات

¹ - MAGALHAES

² - Brighen

افراد امکان شکل‌گیری دارد.	ورانا	
هیچ قدرت بیرونی نباید بر مباحثات افراد و وقایع در فضا تأثیرگذار باشد و در فضای عمومی به عنوان تجلی کالبدی عرصه عمومی فقط شاهد مناسبات قدرت هستیم و نه سلطه قدرتی بیرونی.	آرنت، هابرماس، تیلور، بن حبیب، مک‌کی، مدنی پور، میلر، ماگالاس، بریگنتی، کالهن، وارنا	۱۱
عرصه عمومی و تجلی کالبدی آن یعنی فضای عمومی به مثابه محل ظهور(دیده شدن توسط دیگران و دیدن دیگران) محل ارائه و جلوه کردار و مورد قضاوت قرار گرفتن بصورت متقابل است و فضایی است که در آن گردش ایده‌ها، اطلاعات ممکن باشد.	آرنت، مک‌کی، هابرماس، کین، مدنی پور، یونگ، بریگنتی، پارکینسن، آدها، وارنا، بانک جهانی	۱۰
وجود امر مشترک یا عمومی(به عنوان موضوع مباحثات و تعاملات) که از دغدغه‌های خصوصی متمایز است و شامل دغدغه‌های مشترک اعضای عرصه و مصالح عموم است.	هابرماس، آرنت، تیلور، مک‌کی، راسل، چمبرز، ایریس یونگ، فریزر، منش	۹
حضور افرادی که یکدیگر را ملاقات نکرده‌اند مورد تأکید این افراد است و همچنین حضور غریبه‌ها بویژه در آرای افرادی که بر یگانگی عرصه عمومی اعتقاد دارند، مستتر است.	هابرماس، آرنت، تیلور، یونگ	۴
از نظر این دو اندیشمند سیاسی، تفکیک هرچه شفاف‌تر میان دو عرصه موجب افزایش عمومیت عرصه عمومی است	هابرماس و آرنت	۲

(مأخذ: نگارندگان)

با رجوع به ادبیات عرصه عمومی و تجربه‌های پژوهشی مرتبط، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که برای ایجاد یک فضای عمومی واقعی، لازم است نظارت، کنترل و هدایت خواه از سوی نهاد دولت یا نهادی غیر دولتی - بگونه‌ای صورت پذیرد(قویمی، ۱۳۹۸) که به مثابه قدرتی بیرونی بر کردار و گفتار حاضران و استفاده کنندگان از آن فضا آنچنان تأثیر نداشته باشد که افکار عمومی حاصل مباحثه سالم و برابر اقشار مختلف نباشد و دچار سوگیری یا تحمیل منافع عده‌ای خاص شود (Miller, 2007; Varna, 2011; Magalhaes, 2010; Calhoun, 2011; Brighenti, 2010) از طرفی در میان تجربه‌های پژوهشی موجود بسیاری به عامل دسترسی همگانی به عنوان یکی از عامل‌های

اصلی سازنده عمومیت فضاهای شهری در ایده عرصه عمومی اشاره نموده‌اند (Brighenti, 2010; Adhya, 2008; 2010; De Magalheas, 2010). عامل گفتگو و تعاملات اجتماعی نیز که در نظرات اندیشمندان حوزه عرصه عمومی قابل استنباط است، به عنوان یکی از عامل‌های اصلی سازنده عمومیت فضاهای شهری در ایده عرصه عمومی در بسیاری از تجربه‌های پژوهشی موجود مورد اشاره بوده است (Brighenti, 2010). یکی از عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در ایده عرصه عمومی اشاره نموده‌اند (Varna, 2011; Adhya, 2008; Kohn, 2004). بسیاری نیز به عامل تنوع به عنوان یکی از عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در ایده عرصه عمومی اشاره نموده‌اند (Brighenti, 2010; De Maghlhaes, 2010; Marne, 2001; Adhya, 2008). پایه این متن‌ها به نظر میرسد تنوع در فعالیت‌ها و افراد حاضر را باید یکی از ویژگی‌های اساسی و تعیین کننده در عمومیت یک فضای شهری تلقی نمود. فضای عمومی واقعی فضایی است که اطلاعات آزادانه در گردش و در دسترس همگان باشد و همه افراد در معرض دید و ارزیابی متقابل توسط دیگران باشند. همچنین فضایی که در آن فرد یا گروهی امکان کنترل بر این امر را داشته باشند، از تعریف فضای عمومی خارج خواهد بود (Brighenti, 2010; Adhya, 2008; Varna, 2011).

بررسی انگاره‌های اندیشمندان درباره ایده عرصه عمومی، شش عامل را به عنوان مهمترین عامل‌های سازنده عمومیت عرصه و در نتیجه عمومیت فضای شهری در این ایده را آشکار ساخت. بر این اساس می‌توان این‌گونه جمع بندی نمود که عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در گفتمان جامعه مدنی این شش عامل هستند و میزان و کیفیت تحقق این عامل‌ها در یک فضای شهری معیار قضاوت میزان عمومیت هر فضا از دیدگاه مطرح در این گفتمان است.

۳- بررسی قابلیت کاربست عامل‌های استخراج شده با کمک روش دلفی:

در این بخش از پژوهش با بکارگیری تکنیک دلفی مناسب کاربست عامل‌های استخراج شده در گام نخست به عنوان عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری از نظر متخصصین حوزه فضاهای شهری به آزمون گذاشته شده است. برای این منظور تعداد ۲۱ نفر از متخصصین به عنوان عضو پانل دلفی انتخاب شدند. که انتخاب اعضای اولیه پانل دلفی ابتدا با روش نمونه‌گیری گزینشی از میان استادان دانشگاه با تمرکز یا علاقه‌مندی پژوهشی در خصوص موضوع فضاهای شهری و عمومیت این فضاها انجام شد و در ادامه با روش نمونه‌گیری گلوله برفی سایر اعضای پانل نیز انتخاب گردیدند. به این شکل که از

گروه قبلی خواسته شد تا هر یک، دست کم یک متخصص دیگر که برای شرکت در پانل تخصص کافی دارد را توصیه نمایند. از میان افراد معرفی شده با اولویت فراوانی توصیه، تعدادی به عنوان اعضای جدید پانل انتخاب شدند. همچنین اعضای پانل که در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی خارج از ایران فعالیت دارند، بر پایه سوابق و علایق پژوهشی ایشان با شیوه نمونه گیری گزینشی انتخاب شدند. در جدول (۲) توضیحاتی در

جدول (۲) - ویژگی‌های اعضای پانل دلفی

تعداد متخصصین	ویژگی‌های اعضای پانل
۵ نفر	تعداد متخصصین در دانشگاه‌ها و مراکز علمی داخلی (ایرانی) انتخاب شده با روش گزینشی
۹ نفر	تعداد متخصصین در دانشگاه‌ها و مراکز علمی داخلی (ایرانی) انتخاب شده با روش گلوله برفی
۷ نفر	تعداد متخصصین دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارجی (غیر ایرانی) انتخاب شده با روش گزینشی
۱۴ نفر	تعداد متخصصین در دانشگاه‌ها و مراکز علمی داخلی (ایرانی)
۷ نفر	تعداد متخصصین در دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارجی (غیر ایرانی)

(مأخذ: نگارندگان)

دور اول و دوم دلفی به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته با هدف بررسی مناسبت کاربست عامل‌های سازنده عمومیت در گفتمان جامعه مدنی و ایده عرصه عمومی به عنوان معیارهایی برای ارزیابی عمومیت فضاهای شهری انجام شد و با توجه به حصول توافق مطلوب بر سر حذف یا تأیید عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری و شاخص‌های مناسب برای ارزیابی هر عامل در فضاهای شهری در دور دوم، در دور سوم فرایند دلفی از پرسشنامه بسته با طیف لیکرت به منظور نهایی سازی نتایج و حصول توافق بیشتر در تعیین اهمیت عامل‌های انتخاب شده در ارزیابی میزان عمومیت فضاهای شهری و نهایی سازی شاخص‌ها استفاده شد که به دلیل حصول توافق مطلوب فرایند دلفی در این مرحله خاتمه یافت. نتایج حاصل از اجرای روش دلفی در جدول (۳) ارائه شده است. برای بررسی میزان توافق در دوره‌های دوم و سوم از دو معیار انحراف معیار و ضریب توافق کندال^۱ استفاده شد. معیار قبول میزان توافق از طریق ضریب کندال بالاتر از

^۱ - kendall consensus faktor

۰,۷ در نظر گرفته شد که نتایج حاصل از اجرای روش دلفی بر این اساس با ضریب توافق ۰,۷۵ نشان از توافق نظر بالا و قابل اعتمادی میان اعضای پانل دلفی بود.

جدول (۳)-نتایج روش دلفی

عامل‌های سازنده عمومیت در گفتمان جامعه مدنی	درصد آرای مخالف	انگاره پیشنهادی برای قضاوت عمومیت فضاهای شهری	اهمیت عامل برای قضاوت عمومیت فضاها (۱ تا ۵)	خلاصه نظرات مورد توافق متخصصین
دسترسی برابر همگانی	۰٪	دسترسی عادلانه همگانی	۴,۹۵	مهمترین عامل و شرط لازم عمومیت فضا می‌باشد و بر دو ویژگی اصلی امکان برابر(عادلانه) حضور و اجازه حضور در فضا دلالت دارد.
عدم دخالت قدرت بیرونی	۰٪	مصونیت	۴,۶۲	آزادی عمل حاضرین و عدم تأثیرگذاری قدرتی بیرونی در آنچه در فضا اتفاق می‌افتد از عامل‌های اصلی تقویت کننده عمومیت فضا می‌باشد.
تعامل اجتماعی و گفتگو	۰٪	تعامل و گفتگو	۴,۲	تعامل اجتماعی هدف غایی فضای عمومی و موجب افزایش عمومیت فضا است. این عامل بر دو ویژگی فرعی دعوت کنندگی فضا و فرآهم بودن شرایط تعامل استوار است.
تنوع	۰٪	انطباق پذیری	۳,۹	با تنوع اقشار حاضر در فضای شهری میزان عمومیت آن افزایش می‌یابد. تنوع فعالیت‌ها از آن جهت که موجب افزایش تنوع اقشار حاضر است موجب تقویت عمومیت فضا است.
رویت پذیری و گردش آزاد اطلاعات	۷۱,۵٪	-	-	در خصوص عمومیت فضاهای شهری عاملی اساسی و تعیین کننده نیست.
گفتگو پیرامون امور عمومی	۷۶,۲٪	-	-	عاملی است هنجارین با تعیین کارکردی خاص برای فضای شهری و بر این پایه نقشی در تقویت عمومیت فضا ندارد. ها در یک فضا معیاری برای موضوع گفتگو میزان عمومیت آن نیست.

(مأخذ: نگارندگان)

بر پایه نتایج حاصل از تکنیک دلفی، از میان شش عامل اصلی سازنده عمومیت فضاها در گفتمان جامعه مدنی، تنها چهار عامل دسترسی برابر همگانی، تنوع، عدم دخالت

قدرت بیرونی و تعامل اجتماعی و گفتگو به عنوان معیارهای قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری مناسب هستند و سایر عامل‌ها تنها در رویکرد هنجارین گفتمان جامعه مدنی موضوعیت یافته اند. عامل‌های چهارگانه انتخاب شده با ۱۰۰٪ آراء در دور نخست دلفی انتخاب شدند و دو عامل حذف شده با اکثریت نظرات مردود شناخته شده‌اند. همچنین خلاصه‌ای از نظرات اعضای پانل دلفی درباره هر عامل شامل میزان اهمیت و دلایل رد یا قبول این عامل‌ها مشخص گردیده است. همچنین بر سر عامل‌های مناسب برای قضاوت در مورد عمومیت فضاهای شهری که در ادامه شرح داده می‌شوند، میان اعضای پانل دلفی توافق نظر حاصل شد. تعریف عامل‌ها و ابعاد مورد اشاره که در ادامه نوشته شده‌اند، حاصل مرور منابع، تجربه‌های پژوهشی و توافق نظر میان اعضای پانل دلفی می‌باشند.

در مورد عامل دسترسی برابر، توجه به دو نکته ضروری است. نخست اینکه ابعاد مختلف دسترسی شامل دسترسی کالبدی و بصری و حق حضور باید مورد توجه باشند. دیگر این که تحقق شرط برابری برای دسترسی همگان حتی در حوزه نظری نیز از سوی برخی اندیشمندان مورد تردید و انتقاد بوده است. آنها بر این باور هستند که هرگز در هیچ دوره‌ای از تاریخ و در هیچ جامعه‌ای، برابری حقیقی افراد در دسترسی به فضای شهری اتفاق نیافتاده است و ممکن است در عمل نیز چنین شرطی قابل تحقق نباشد. با توجه به نکته اخیر انگاره دسترسی عادلانه همگانی به عنوان عامل مورد قبول و مناسب برای قضاوت در مورد عمومیت فضاهای شهری پیشنهاد گردید.

در مورد عامل دیگری که از ایده عرصه عمومی استخراج و عدم دخالت قدرت بیرونی نام‌گذاری شد، با توجه به نمود آن در مقیاس فضاهای شهری انگاره مصونیت به عنوان عامل مناسب برای قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری پیشنهاد می‌گردد. مصونیت یک فضای شهری میزان در امان بودن آن از مداخلاتی مانند تعیین و یا تحدید فعالیت‌ها و رفتار حاضرین در آن فضا است. که شامل دو بعد خودبستگی به معنی توانمندی فضا برای نظارت، تعیین هنجارها و تصمیم‌گیری توسط مردم، و تسلط ناپذیری به معنی استقلال فضا از دخالت‌هایی که منجر به محدود شدن رفتار حاضرین از سوی قدرتی بیرونی باشد.



تصویر (۱) - انگاره‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری برپایه بررسی قابلیت کاربست عامل‌های سازنده عمومیت در گفتمان جامعه مدنی (مأخذ: نگارندگان)

در مورد عامل تنوع، ویژگی ظرفیت انطباق پیشنهاد می‌گردد. میزان پاسخگویی فضا به نیازهای افراد، گوناگونی اقشار حاضر در فضا، و امکان تحقق فعالیت‌های جدید از طریق توانمندی فضا در پاسخ به نیازهای نوآورانه و فعالیت‌های خود جوش‌حاضرین، سه بعد این عامل هستند، که به ترتیب پاسخگویی، گوناگونی و نوآوری نام گذاری شده‌اند. در مورد عامل تعامل اجتماعی و گفتگو، چنان که شرح داده شد دلیل اصلی حضور این عامل در میان عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در گفتمان جامعه مدنی، حاصل پیوند این عامل و عامل امر عمومی است. ولی در مورد فضاهای شهری موضوع گفتگوها اهمیت چندانی در تعیین میزان عمومیت ندارد و خود تعامل و گفتگو و کیفیت تعاملات اجتماعی هدف غایی فضای عمومی و یکی از عامل‌های سازنده عمومیت فضا است. به همین دلیل بر اساس نتایج روش دلفی دو بعد دعوت‌کنندگی فضا برای تعامل، و تعالی بخشی به کیفیت این تعاملات شامل میزان تکرار، مدت و عمق ارتباطات برای آن در نظر گرفته شده است.

۵- مورد پژوهی:

دو فضای شهری نمونه با کاربری غالب تجاری، یکی مجموعه ارگ تجریش که فضایی نوظهور در شهر است با سبک و سیاقی متفاوت از فضاهای شهری سنتی ایجاد شده است، و بازار سنتی تجریش که یکی از مشهورترین فضاهای سنتی شهر است، به منظور ارزیابی و مقایسه میزان عمومیت آنها بر اساس عامل‌های بدست آمده، و از این ره

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، انتخاب شدند. بازار سنتی تجریش یک فضای عمومی قدیمی است که جایگاه ویژه‌ای در خاطره جمعی مردمان شهر دارد. در مقابل مجموعه ارگ تجریش فضایی نوظهور در فاصله‌ای کمتر از ۳۰۰ متر از بازار تجریش است. یکی از موضوعات مورد توجه تحلیلگران مقایسه میزان عمومیت فضاهای جدید، به ویژه مجموعه‌های تجاری و مال‌ها در مقایسه با فضاهای عمومی سنتی شهر است. بر همین پایه ارزیابی وضعیت این دو فضا، با بهره‌گیری از عامل‌های چهارگانه بدست آمده در مرحله‌های پیشین پژوهش صورت گرفت.

برای این منظور از دو شیوه پرسشنامه و مشاهده برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در انتخاب پاسخ دهندگان به پرسشنامه با توجه به هدف این پژوهش، شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بدون جایگذاری انتخاب گردید. با استفاده از فرمول کوکران با هدف دستیابی به نتایج با خطای نمونه گیری ۰،۰۵، حجم نمونه آماری با توجه به نامشخص بودن حجم جامعه آماری، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد که برای اطمینان ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل گردید.

جدول (۴)- آمار توصیفی مشارکت کنندگان در پیمایش

سن بالای ۶۰ سال	سن ۳۵ تا ۶۰ سال	سن زیر ۳۵ سال	زنان	فضای شهری
٪۱۴	٪۴۹	٪۳۷	٪۵۶	بازار سنتی
٪۳	٪۴۵	٪۵۲	٪۶۲	مجموعه ارگ

(مأخذ: نگارندگان)

با توجه به مشخص بودن عامل‌های نهایی و شاخص‌های هر یک در روش دلفی از پرسشنامه بسته محقق ساخته با طیف لیکرت استفاده شده است که برای سنجش میزان پایایی بصورت آزمایشی یک پرسشنامه میان ۵۰ نفر از استفاده کنندگان فضای شهری توزیع شده است و از طریق سنجش همبستگی درونی سوالات به کمک آزمون آلفای کرونباخ پایایی پرسش‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین پیش از اجرای آزمایشی پیمایش با اجرای دو نکته در جهت افزایش میزان پایایی تلاش شد: ۱- کنترل پرسش‌ها توسط اساتید متخصص ۲- افزایش تعداد پرسش‌هایی که کیفیت یا انگاره‌های واحد را می‌سنجند (آزمون کرونباخ در تشخیص و حذف پرسش‌های اضافه و ناکارآمد بکارگرفته شد).

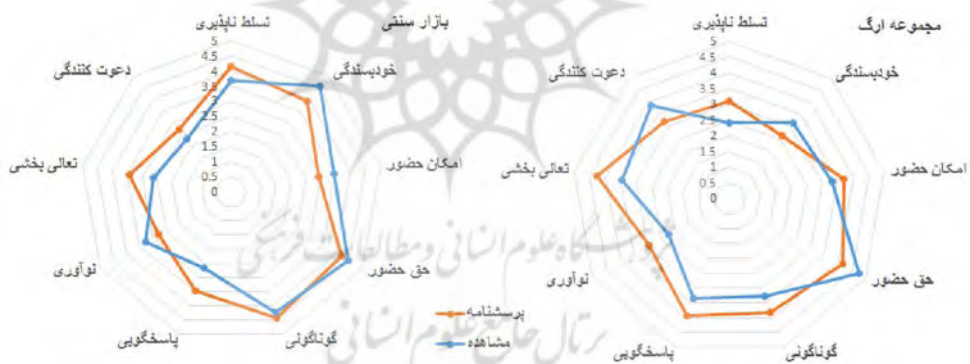
جدول (۵) - ابعاد هر عامل و شاخص‌های تعیین شده برای هر یک در روش دلفی برای مشاهده میدانی

عامل	ابعاد	شاخص‌های امتیاز دهی در مشاهده‌های میدانی
دسترسی عادلانه همگانی	حق حضور	- وجود ضوابط محدود کننده حضور گروه‌هایی خاص (منفی) - محدودیت‌های عرفی برای حضور گروه‌هایی خاص (منفی)
	امکان حضور	- تعداد و حجم ورودی‌ها (مثبت) - تعداد معابر اصلی متصل به فضا (مثبت) - تسهیلات برای دسترسی گروه‌های خاص در ورودی‌ها و بخش‌های مختلف فضا (مثبت) - ساعات باز بودن فضا برای استفاده همگان (مثبت) - تنوع شیوه‌های حمل و نقل ممکن برای دسترسی به فضا (مثبت) - رویت پذیری فضا و ورودی‌های آن از فضاهای اطراف (مثبت)
	خود بسندگی	- امکان نظارت اجتماعی حاضرین بر فضا (مثبت) - حضور استفاده کنندگان همیشگی از فضا (مثبت)
	تسلط ناپذیری	- تعداد دوربین‌های مدار بسته با امکان ذخیره سازی تصاویر (منفی) - حضور مداخله گر نیروهای نظارتی (منفی) - وجود ضوابط محدود کننده فعالیت در فضا (منفی)
ظرفیت انطباق	گوناگونی	- گوناگونی فعالیت‌های جاری در فضا (مثبت) - گوناگونی اقشار حاضر و فعال در فضا (مثبت)
	پاسخگویی نوآوری	- میزان پاسخ به نیاز گروه‌های مختلف جامعه - فراهم بودن بستر فعالیت‌های خود جوش و خلاقانه توسط حاضرین (مثبت)
تعامل و گفتگو	تعالی بخشی	- امکان گفتگوهای طولانی (مثبت)
	دعوت کنندگی	- فرصت‌های کالبدی مانند چیدمان مبلمان فضا (مثبت) - آسایش محیطی (مثبت) - امنیت (مثبت) - میانگین مدت زمان حضور افراد در فضا (مثبت) - تعداد فعالیت‌های فراغتی در فضا و جاذب جمعیت (مثبت)

(مأخذ: نگارندگان)

برای مشاهده از شیوه مشاهده میدانی کنترل نشده و غیر مشارکتی استفاده شده است. برای اطمینان از صحت و تعمیم پذیری مشاهده‌ها، در موارد لزوم از نمونه‌گیری زمانی برای مشاهده‌ها استفاده شد به این صورت که در زمان‌های مشخص و به مدت از پیش تعیین شده مشاهده‌ها با هدف ثبت وقایع، رفتارهای مورد نظر، انجام شده‌اند. در خصوص رفتارها و فعالیت‌ها، مدت زمان مشاهده‌ها بر اساس آزمون و خطا و به تناسب فراوانی وقوع رفتارهای مورد نظر تعیین گردیدند و برای انجام مشاهده‌ها در هر دو فضا به صورت یکسان اعمال شدند.

بر پایه مشاهده‌ها در مجموعه ارگ به دلیل وجود تعداد شایان توجهی مکان‌هایی برای نشستن با کیفیت مناسب و همچنین حضور فعالیت‌های جاذب جمعیت مانند رستوران‌ها، امتیاز بیشتری به زیرعامل دعوت کنندگی داده شد. در حالی که بهره‌برداران از فضا امتیاز کمتری به آن داده‌اند. از سوی دیگر بر اساس مشاهده‌ها، امتیاز کمتری به زیر عامل تعالی بخشی تعلق گرفت در حالی که بهره‌برداران، امتیاز بیشتری به آن داده‌اند. همچنین در این فضا برونداد حاصل از مشاهده‌ها و تجربه مردم در خصوص زیر عامل تسلط ناپذیری نیز به نظر متفاوت می‌رسند.



تصویر (۲) - همپوشانی امتیازهای حاصل از دو شیوه گردآوری اطلاعات در دو فضای مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان)

در فضای بازار سنتی نیز بر پایه مشاهده‌ها، به دلیل شمار کمتر فعالیت‌های ممکن و مشاهده رفتار بهره‌برداران، به دو زیر عامل پاسخگویی و تعالی بخشی امتیاز کمتری در مقایسه با نظرات مردم به فضا داده شده است. به نظر می‌رسد دلیل این تفاوت ارتباط تنگاتنگ امامزاده صالح (ع) با بازار و جبران تنوع کمبودهای موجود در بازار از این نظر برای

بهره‌برداران باشد. هیچ یک از تفاوت‌های مورد اشاره بر اساس آزمون آماری تفاضل میانگین تی^۱ معنی‌دار نیستند، که نشان از دقت قابل اتکای سنج‌های انتخاب شده می‌باشد.

پس از تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق پیمایش و مشاهده، امتیازهای چهارگانه و ابعاد مختلف آنها محاسبه گردید که در تصویر (۳) در غالب نمودار قابل مشاهده می‌باشند.



تصویر (۳)-مقایسه عامل‌های چهارگانه عمومیت فضا و ابعاد مختلف آنها در دو فضای مورد مطالعه (مأخذ: نگارندگان)

آزمون معنی‌داری تفاوت عمومیت میان دو فضای مورد مطالعه بر پایه آزمون تی انجام شد که تفاوت معنی‌داری را میان دو فضا نشان نمی‌دهد، زیرا هر یک از دو فضا دارای امتیازهای بالاتری نسبت به دیگری در برخی ابعاد هستند. اما دو عامل مصونیت و تعامل و گفتگو به ترتیب در سطح ۰,۰۵ و ۰,۱ تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهند.

جدول (۶)- نتایج آزمون تفاوت دو عامل تعامل و گفتگو و مصونیت در ارگ و بازار سنتی تجریش

عامل	میانگین در بازار سنتی	میانگین در ارگ تجریش	سطح (معناداری (دوطرفه))	فرض صفر (تفاضل میانگینها)	تفاضل میانگین‌ها
تعامل و گفتگو	۲,۷۵۹۴۶	۳,۶۹۹۸۳	۰,۰۷۳۱۴۲۴۷	۰,۰۰	-۰,۹۴۰۳
مصونیت	۴,۰۸۴۸۴	۲,۸۱۳۳۸	۰,۰۱۷۵۳۱۰۶	۰,۰۰	+۱,۲۷۱۴

(مأخذ: نگارندگان)

^۱ - T test

نتایج آزمون تی نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری هر دو عامل کمتر از ۰,۱ است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت امتیاز این دو فضا برای این دو عامل رد می‌شود و تفاوت‌ها معنادار هستند.

۶- نتیجه‌گیری:

ایده عرصه عمومی به ضرورت ایجاد فضای عمومی به منظور تحقق دموکراسی و جامعه مدنی توجه دارد. بررسی انگاره‌های اندیشمندان در حوزه ایده عرصه عمومی، چند عامل اساسی مورد توافق میان آنها را به عنوان شرط‌های عمومیت فضای شهری آشکار می‌سازد. بر پایه یافته‌های این پژوهش در گفتمان جامعه مدنی و به صورت مشخص در ایده عرصه عمومی، فضای عمومی واقعی، فضایی است که برای همه مردم بصورت برابر قابل دسترس باشد تنوعی از فعالیت‌ها و اقشار را شامل شود، رویت پذیری و جریان آزاد اطلاعات، ارزیابی دو جانبه میان فرد و دیگران را ممکن سازد، امکان و موجبات تعامل و گفتگو بر سر موضوعات و دغدغه‌های مشترک و عمومی آنها را به گونه‌ای فراهم آورد که هیچ قدرتی بجز قدرت حاصل از اجماع افراد حاضر در فضا، گفتگوها و نتیجه‌گیری‌ها را کنترل و جهت دهی نکند.

بر این اساس؛ عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در گفتمان جامعه مدنی شش عامل دسترسی پذیری برابر، تعامل پذیری و مباحثات عقلانی، موضوعیت یافتن امر عمومی در مباحثات، تنوع، رویت پذیری و گردش آزاد اطلاعات و عدم دخالت قدرت بیرونی می‌باشند. آگاهی از عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری که از گفتمان جامعه مدنی و ایده عرصه عمومی قابل استنباط هستند، گام مهمی در جهت رفع ابهامات، تناقضات و اختلاف نظرهای موجود در تبیین عمومیت فضاهای شهری متأثر از این گفتمان و همچنین در درک و دسته بندی هنجارهای معاصر و نقدهای مطرح شده در رابطه با عمومیت فضاهای شهری می‌باشد.

با بکارگیری روش دلفی قابلیت کاربست این عامل‌ها به عنوان عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که چهار عامل دسترسی عادلانه همگانی، انطباق پذیری، تعاملات و گفتگو و مصونیت، با تعریف‌هایی کمابیش مشابه ولی نامنطبق بر تعریف‌های قابل استنباط از گفتمان جامعه مدنی، به عنوان عامل‌های تقویت کننده عمومیت فضاهای شهری مورد تأیید متخصصین حوزه فضاهای شهری هستند، و دو عامل دیگر در نگرش گفتمان جامعه مدنی و انتظارات

هنجارین از عرصه و فضای عمومی در این گفتمان مطرح شده‌اند و برای قضاوت درباره عمومیت فضاهای شهری مورد تأیید متخصصین نمی‌باشند.

بر اساس نتایج ارزیابی دو فضای شهری نمونه مشخص گردید که بازار سنتی تجریش با اختلاف معنی‌داری از مصونیت بالاتری در مقایسه با مجموعه ارگ تجریش برخوردار است. زیرا تأمین امنیت و انتظام در مجموعه ارگ حداقل در مقایسه با مجموعه بازار تجریش تا حدی به کنترلی کمابیش مداخله‌گر منجر شده است. در مقابل، مجموعه ارگ با ایجاد مکان‌های مناسب نشستن و همچنین فعالیت‌های جاذب جمعیت، از نظر عامل تعامل و گفتگو با تفاوت معنی‌داری شرایط بهتری را فراهم نموده است. علی‌رغم آزادی دسترسی همگانی به فضای بازار سنتی، به دلیل لحاظ نشدن تسهیلات برای گروه‌های خاص مانند معلولین تفاوت معنی‌داری در این عامل مشاهده نمی‌شود. مجموعه ارگ برای نیازهای گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر پاسخگوتر است، اما به دلیل ظرفیت بیشتر بازار سنتی در پاسخگویی به فعالیت‌های خودجوش و نوآورانه و همچنین تنوع بیشتر اقدار حاضر در آن، امتیاز عامل ظرفیت انطباق نیز تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. در نهایت بر اساس آزمون معنی‌داری مشخص گردید که علی‌رغم تفاوت معنی‌دار برای دو عامل مصونیت و تعامل و گفتگو، در میزان عمومیت این دو فضا بر اساس عامل‌های این پژوهش، تفاوت معنی‌داری وجود ندارند. بر این پایه می‌توان گفت؛ تحلیل‌هایی که درباره کاهش میزان عمومیت فضاهای شهری جدید در برابر فضاهای شهری سنتی ابزار نگرانی نموده‌اند، چندان دقیق نیستند. زیرا، اگر چه بررسی فضاهای شهری دیگر می‌تواند بروندادهای متفاوتی را منجر شود، اما یافته‌های این پژوهش بر پایه ارزیابی دو فضای ویژه در شهر تهران، پیش فرض‌های چنین تحلیل‌هایی را رد می‌کند و نشان می‌دهد که فضاهای شهری جدید الزاماً دچار کاهش در میزان عمومیت نشده‌اند. همانطور که ممکن است در برخی ابعاد، عمومیت فضاهای شهری جدید در مقایسه با فضاهای سنتی کاهش یافته باشد، در برخی ابعاد نیز ممکن است به دلیل امکانات جدیدی که فراهم آورده‌اند و فرصت‌هایی که در اختیار بهره‌برداران قرار می‌دهند، از عمومیت بیشتری برخوردار باشند.

این یافته‌ها؛ پژوهشگران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری را در یافتن راهکارهای عملی برای ایجاد و حفاظت از فضاهای عمومی حقیقی در شهر و همچنین داوری و اظهار نظر درباره میزان عمومیت فضاهای شهری، به‌ویژه فضاهای شهری جدید که کانون نقدها و نگرانی‌های بسیاری از سوی تحلیلگران بوده‌اند، یاری خواهد نمود.

منابع و مآخذ:

۱. احمدی، ب. ۱۳۹۴. مدرنیته و اندیشه انتقادی. چاپ یازدهم. نشر مرکز. ۳۱۲ صفحه.
۲. امیراحمدی، ه. ۱۳۷۴. درآمدی بر جامعه مدنی در ایران، ایران نامه، ۵۳، ۷۹-۱۰۶.
۳. بادامچیان، ا. ۱۳۷۷. جامعه مدنی و جوانان. چاپ اول. نشر قطره. ۲۵۷ صفحه.
۴. پزشکی، م. ۱۳۹۳. عرصه عمومی و خصوصی در فقه شیعه. چاپ اول. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۲۵۱ صفحه.
۵. چاندوک، ن. ۱۳۷۷. جامعه مدنی و دولت؛ کاوش‌هایی در نظریه سیاسی. ف. فاطمی، & ب. وحید. چاپ اول. نشر مرکز. ۲۶۲ صفحه.
۶. رضائی، م.، شمس‌الدینی، ع. ۱۳۹۸. تحلیلی بر رابطه حکمروایی خوب شهری و عدالت اجتماعی در فضاهای شهری (مورد مطالعه: شهر فردوسی - شهرستان شهریار). آمایش محیط، ۱۲(۴۵)، ۲۵-۴۸.
۷. رهین، ع. ۱۳۷۰. اهمیت تفکیک هگلی، دولت و جامعه مدنی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱(۲)، ۲۵۵-۲۷۷.
۸. زندیه، ا. ۱۳۹۶. بررسی عملکرد شهرداری‌ها در چارچوب رویکرد حکمروایی خوب شهری نمونه موردی: شهرداری شهر ملایر. آمایش محیط، ۱۰(۳۹)، ۵۹-۷۶.
۹. شفیعی، م. پاییز و زمستان ۱۳۸۴. نظریه کنش ارتباطی و نقد اجتماعی - سیاسی. دانش سیاسی، ۱۴۹-۱۶۶.
۱۰. شهرام نیا، ا.، تدین راد، ع.، & نجف پور، س. ۱۳۹۳. منظومه فکری هانا آرنه؛ عمل، فضا و امر سیاسی. تهران: انتشارات گردکاری. ۱۷۲ صفحه.
۱۱. شفیعی، م. پاییز و زمستان ۱۳۸۴. نظریه کنش ارتباطی و نقد اجتماعی - سیاسی. دانش سیاسی، ۱۴۹-۱۶۶.
۱۲. صالحی فارسانی، ع. ۱۳۹۶. نگاه وبر به لیبرال دموکراسی موجود در غرب. غرب شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳-۱۷.
۱۳. عبدی، ک.، جعفری مهرآبادی، م.، صفایی رینه، م.، اللهیاری، ش. ۱۳۹۸. سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری با رویکرد حکمروایی خوب شهری. آمایش محیط، ۱۲(۴۵)، ۱۳۹-۱۶۶.
۱۴. علمداری، ک. ۱۳۹۵. جامعه مدنی؛ گفتارها، زمینه‌ها و تجربه‌ها. تهران: توسعه. ۲۶۶ صفحه.

۱۵. قویمی، ا.، حقیقت نائینی، غ.، قرایی، ف.، حبیبی، م. ۱۳۹۸. مقایسهٔ عامل‌های سازندهٔ عمومیت فضاها‌ی شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی و غربی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۲(۲)، ۲۵۷-۲۸۸.
۱۶. قویمی، ا. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر به کارگیری فاوا توسط شهرداری در تحقق حکمروایی خوب شهری. همایش علمی "حکمروایی خوب شهری"، تهران، تیرماه، ۵۸۷-۶۲۲.
۱۷. کاتوزیان، ن. ۱۳۸۵. حکومت قانون و جامعه مدنی. در ن. کاتوزیان، حکومت قانون و جامعه مدنی (ص. ۵-۱۷). تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مرکز مطالعات حقوق بشر.
۱۸. گرامشی، آ. ۱۳۸۳. دولت و جامعه مدنی. ترجمه عباس میلانی. تهران: اختران. ۱۳۰ صفحه.
۱۹. مارکس، ک. ۱۳۹۰. در نقد فلسفه هگل. ترجمه محمود عبادیان. تهران: نشر چشمه. ۴۲۰ صفحه.
۲۰. مدنی پور، ع. ۱۳۸۷. فضاها‌ی خصوصی و عمومی شهر. ترجمه فرشاد نوریان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. مروی، ا. ۱۳۸۹. جایگاه جامعه مدنی در گفتمان امام خمینی(س). تهران: عروج. ۷۱۰ صفحه.
۲۲. نقوی، غ. ۱۳۸۸. متافیزیک و سیاست: تمایز جامعه مدنی و دولت در فلسفه سیاسی هگل. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۸، ۷۵-۱۱۸.
۲۳. هولمز، م. ۱۳۸۷. جنسیت و زندگی روزمره م. لبیبی. چاپ دوم. نشر نقد افکار. ۱۹۲ صفحه.
۲۴. مولر، ج. ۱۳۹۵. ذهن و بازار (جایگاه سرمایه‌داری در تفکر اروپای مدرن). ترجمه مهدی نصراله زاده. چاپ اول. بیدگل. ۷۴۳ صفحه.

25. Adhya, A. 2008. EXPLORING THE PUBLIC REALM: UNDERSTANDING MULTIPLE WAYS OF PUBLICNESS IN URBAN AMERICA. ,AIA Report on University Research Volume 3. Southfield, Lawrence Technological University.
26. Arendt, H. 1998. The human condition. The University of Chicago Press. 370P.
27. Benhabib, s. 2003. The reluctant modernism of hannah arendt. Rowman&Littlefield. 460P.

28. Brighenti, A. 2010, Marzo. The Publicness of Public Space On the Public Domain. QUADERNO 49. DIPARTIMENTO DI SOCIOLOGIA E RICERCA SOCIALE.
29. Calhoun, c. 2011. Civil society and the public sphere. In E. Michael, The Oxford Handbook of Civil Society (pp. 311-323). Oxford University Press.
30. Chambers, S. 2000. A Culture of Publicity. In S. Chambers, & A. Costain, Deliberation, Democracy, and the Media (pp. 193-208). Rowman & Littlefield.
31. Dahlberg, L. 2005. The Habermasian Public Sphere: A Specification of the Idealized Conditions of Democratic Communication. Studies in Social and Political Thought, 1-18.
32. De Maghlhaes, C. 2010. Public Space and the Contracting-out of Publicness:A Framework for Analysis. Journal of Urban Design, 15(4), 559-574.
33. Dryzek, J. 2000. Deliberative Democracy and Beyond. Oxford: Oxford University Press.
34. Edwards, M. 2011. Civil Society. Oxford University Press.
35. Fraser, N. 1990. Rethinking the Public Sphere: A Contribution to the Critique of Actually Existing Democracy. Social Text, No. 25/26, 56-80. Duke University Press.
36. Ghavimi, A., Haghghat Naiini, G., Gharaii, F., habibi, M. 2020. Comparison of Urban Space Publicness Components in Iranian-Islamic and Western Cities. Iranian Journal for the History of Islamic Civilization, 52(2), 257-288. doi: 10.22059/jhic.2020.283025.654016.
37. Habermas, J. 1991. The Structural Transformation of the Public Sphere, An Inquiry into a Category of Bourgeois Society. T. Burger, & F. Lawrence. Cambridge, MIT press.
38. Hegel, G. 1942. Philosophy of Right. T. Knox. Oxford University Press. 335P
39. Keane, J. 2000. Structural Transformations of the Public Sphere. In H. k. j., Digital democracy: issues of theory and practice (pp. 70-89). Sage publication.
40. Koçan, G. 2008. Models of Public Sphere in Political Philosophy. EUROSPHERE online working paper series. doi: ISSN 1890-5986.

41. Kohn, M. 2004. Brave New Neighborhoods, THE PRIVATIZATION OF PUBLIC SPACE. First Edition. Routledge. 198P.
42. Marne, P. 2001. Whose public space was it anyway? Class, gender and ethnicity in the creation of Parks, Liverpool: 1858–1872. Social & Cultural Geography, 2(4), 421-443.
43. Mckee, A. 2005. The Public Sphere: an introduction. Cambridge university press. 265P.
44. Miller, K. 2007. Designs on the public : the private lives of New York's public spaces. First publication. University of Minnesota Press. 208P.
45. Mitchell, D. 1995. The End of Public Space? People's Park, Definitions of the Public, and Democracy. Annals of the Association of American Geographers. 85:108-133
46. Nemeth, J., & Schmidt, S. 2011. The privatization of public space: modeling and measuring. Environment and Planning B: Planning and Design. 38:5-23
47. Sennett, R. 1992. the fall of public man. Second Edition. Norton. 314P.
48. Taylor, C. 2004. Modernity and the Rise of the Public Sphere; THE TANNER LECTURES ON HUMAN VALUES. Stanford University. 59P.
49. Varna, G. 2011. Assessing the publicness of public places: towards a new model. PhD thesis. University of Glasgow, College of Social Sciences, Department of Urban Studies. 424P.
50. Young, I. 2002. Inclusion and Democracy. First Edition .Oxford University Press. 315P.



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی